

کتاب دانیال — شماره سیزدهم

راز ایام آخر

Jeff Pippenger

2023-12-08

باب دوم دانیال نمایانگر فرشته دوم مکاشفه چهارده است. از این رو، این باب نمایانگر دومین سه آزمون است؛ آزمون‌هایی که به صورت آزمون خوراکی، سپس آزمون دیداری، و در پایان آزمون کاغذ تورنسل به تصویر کشیده شده‌اند. هر سه آن آزمون‌ها، که همچنین نشانه‌های راه نبوتی هستند، در پیام فرشته اول مکاشفه چهارده وجود دارند. همان‌گونه که در مورد فرشته اول مکاشفه چهارده چنین است، باب اول دانیال نیز هر یک از آن سه آزمون را در خود دارد.

دومین آزمون، یا پیام فرشته دوم، در پایان نخستین آزمون آغاز می‌شود. باب دوم در پی باب اول می‌آید. نتیجه دومین آزمون، بی‌درنگ سومین آزمون را آغاز می‌کند. دوره زمانی‌ای که به وسیله دومین آزمون نمایانده شده بود، با هفتاد سال اسارت دانیال نمادپردازی شده بود؛ اسارتی که با غلبه بر یهوایا قلم آغاز شد و با فرمان کوروش به پایان رسید. چون پایان آن هفتاد سال نزدیک می‌شد، دانیال از طریق کلام نبوی خدا دریافت که پایان در شرف فرارسیدن است.

در سال اول داریوش، پسر اخشورش، از نسل مادها، که بر مملکت کلدانیان به پادشاهی گماشته شده بود؛ در سال اول سلطنت او، من، دانیال، از روی کتاب‌ها، شمار سال‌هایی را که کلام خداوند درباره آن‌ها به ارمیا نبی رسیده بود، دریافتم؛ یعنی اینکه او ویرانی‌های اورشلیم را در ظرف هفتاد سال به انجام خواهد رسانید. دانیال ۹:۱، ۲

دانیال نمایانگر قوم خدا در ایام آخر است که معنای نمادین هفتاد سال اسارت را تشخیص می‌دهند، و این تشخیص اندکی پیش از پایان آن هفتاد سال نمادین رخ می‌دهد. قوم خدا هفتاد سال اسارت را به درستی فهمیده‌اند، اما آنچه دانیال نمایندگی می‌کند این است که آن هفتاد سال، دوره نبوی از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه را نمایان می‌سازد. برای دانیال، آن سال‌ها با فرمان کوروش به پایان رسید، که در ایام آخر نمایانگر قانون یکشنبه در ایالات متحده است.

اندکی پیش از قانون یکشنبه، قوم خدا به فهم نبوی‌ای که به وسیله هفتاد سال نمادین به تصویر کشیده شده است، بیدار می‌شوند. این سال‌های نمادین با یهوایا قلم آغاز شد، که نمایانگر یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ است؛ زمانی که با ظهور اسلام وای سوم، فرشته مقتدر مکاشفه هجده نازل شد و سقوط بابل را اعلام کرد. سقوط بابل نمایانگر پیام فرشته دوم است، و در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، دومین دوره آزمون برای کسانی آغاز شد که کتاب پنهان را که در دست فرشته بود، خوردند. آن دوره، که به وسیله هفتاد سال نمادین نشان داده شده است، تا قانون یکشنبه ادامه می‌یابد.

چنان‌که پایان نزدیک می‌شود، همان‌گونه که در شخص دانیال در سال نخست داریوش به صورت نمادین نشان داده شده است، قوم خدا نسبت به آزمون تصویر وحش بیدار می‌شوند. آنان پیش‌تر برخی از حقایق مربوط به آزمون تصویر وحش را درک کرده بودند، اما آن بخشی را که درست پیش از پایان دوره نبوی فرشته دوم به درک آن می‌رسند، در تاریکی پنهان بوده است. همان‌گونه که دانیال کلام نبوی خدا را مطالعه کرد و سپس از اهمیت هفتاد سال آگاه شد، به دعا هدایت گردید؛ درست همان‌گونه که هنگامی که از تهدید مرگ‌و زندگی نبوکدنصر درباره خواب تصویر او آگاه شد، به دعا هدایت شده بود. در باب نهم دانیال، همانند باب دوم دانیال، هنگامی که دانیال دعا کرد، روشنایی نبوی دریافت نمود.

آری، هنگامی که هنوز در دعا سخن می‌گفتم، همان مرد، جبرائیل، که او را در رؤیا در آغاز دیده بودم، به شتاب پروازکنان آمد و در هنگام تقدیم قربانی شامگاهی مرا لمس کرد. و مرا آگاه ساخت و با من سخن گفت و گفت: «ای دانیال، اکنون آمده‌ام تا تو را حکمت و فهم ببخشم.»
دانیال ۲:۲۱، ۲۲

«مهارت و فهمی» که هنگام دعا به دانیال عطا شد، با دعای او در باب دوم هم‌سو است.

پس دانیال به خانه خود رفت و این امر را به حننیا، میثائیل و عزریا، یاران خویش، اعلام کرد؛ تا درباره این راز از خدای آسمان رحمت بطلبند، مبدا دانیال و یارانش با سایر حکیمان بابل هلاک شوند. آنگاه این راز در رؤیای شب بر دانیال مکشوف گردید. پس دانیال خدای آسمان را متبارک خواند. دانیال ۱۷:۲-۱۹

سطراً فوق سطر، إن صلاتي دانیال هما الصلاة نفسها. وکلتاهما تقدّمان أثناء تاریخ یمثل رمزياً الاختبار المرئي للملك الثاني، الذي يجري بين 11 سبتمبر 2001 وقانون الأحد الآتي قريباً. وفي ظل تهديد نبوخذنصر الوشيک بالموت، ومع المعرفة النبوية بكل من سبعين سنة إرميا وقسم سبعة الأوقات لموسى، یصلي دانیال صلاة اللاويين السادس والعشرين، وهو يطلب أن يكشف الله له السر النبوي الأخير من نبوة الكتاب المقدس؛ السر الذي یجده یوحنا بأنه إعلان یسوع المسيح.

در فصل نهم، دانیال در نقطه گذار میان دو پادشاهی قرار دارد. بابل به تازگی به دست مادها و پارسیان سقوط کرده است، زیرا این سال نخست داریوش است؛ و بدین‌سان قوم خدا را در ایام آخر در همان نقطه انتقال قرار می‌دهد که در حرکت فرشته اول و نیز در حرکت فرشته سوم مشخص شده بود.

جنبش میلری فیلادلفیایی در سال ۱۸۵۶ به لائودیکیه گذر کرد، و جنبش لائودیکیه‌ای Future for America در پایان سه روز و نیم مرده بودن در کوچه مکاشفه باب یازدهم، به جنبش فیلادلفیایی گذر می‌کند. آزمونی که جنبش فیلادلفیایی میلری‌ها از ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۳ در آن ناکام ماند، مربوط به تعلیم «هفت زمان» بود.

امتحان تحریک لائودیکیه «فیوچر فار امریکا» در ارتباط با ضرورت به رسمیت شناختن حالت پراکنده ایشان است، و سپس داخل شدن در دعای لاویان بیست‌وشش و تجربه آن. دانیال در زمان انتقال میان امپراتوری‌های بابل و مادها و پارس قرار داشت، و اندکی پیش از پایان دوره هفتاد ساله‌ای که با فرمان کوروش مشخص می‌گردد. آن هفتاد سال، سیاق دعای دانیال است، و هفتاد سال، نماینده «هفت زمان» موسی است. هر دو دعای دانیال با زمان انتقالی‌ای هماهنگ‌اند که با «هفت زمان» در حرکت فرشته اول، و نیز در حرکت فرشته سوم، مشخص می‌شود.

«راز»ی که بر دانیال آشکار می‌شود، مکاشفه تمثال نبوکدنصر است. «راز» تمثال نبوکدنصر در ایام آخر این است که آن تمثال نمایانگر هشت پادشاهی است، نه چهار پادشاهی. در مقالات پیشین که در بخش «هشتمی از آن هفت است» قرار دارند، این حقیقت پیش‌تر ارائه شده است. در درون آن راز، مکاشفه نقطه انتقالی نهفته است که در آن هشتمی، که از آن هفت است، فرا می‌رسد. «راز» تمثال نبوکدنصر، تأیید رستاخیز شاخ پروتستان‌تیسیم حقیقی و شاخ جمهوری‌خواهی است. هر دو آن رستاخیزها مشخص می‌سازند که هر شاخ، هشتمی است، اما از آن هفت است؛ و انتقال از ششم به هشتم هر دو شاخ در بستر نبوی آزمونی رخ می‌دهد که با «هفت زمان» موسی مرتبط است. این انتقال، چنان‌که دانیال آن را بازنمایی می‌کند، درست پیش از فرمان کوروش روی می‌دهد، فرمانی که نماینده حکم قانون یکشنبه در ایالات متحده است. سپس در هنگام قانون یکشنبه، در حرکات سریع، زخم مهلک پاپی شفا می‌یابد، زیرا پاپی به سر هشتمی بدل می‌شود که از آن هفت است، و آن نیز از

خلال یک انتقال نبوی عبور می‌کند، چنان‌که تمثال نبوکدنصر در دانیال باب دو آن را بازنمایی می‌کند.

پس دانیال نزد آریوک، که پادشاه او را گماشته بود تا حکیمان بابل را هلاک کند، رفت؛ و بدو چنین گفت: «حکیمان بابل را هلاک مکن؛ مرا به حضور پادشاه ببر، و من تعبیر را به پادشاه خواهم نمود.» آنگاه آریوک با شتاب دانیال را به حضور پادشاه آورد و بدو چنین گفت: «مردی از اسیران یهودا یافته‌ام که تعبیر را بر پادشاه معلوم خواهد ساخت.» پادشاه در پاسخ به دانیال، که نامش پلطنصر بود، گفت: «آیا تو می‌توانی خوابی را که دیده‌ام و نیز تعبیر آن را بر من معلوم سازی؟» دانیال ۲۴:۲-۲۶

پس از آن‌که راز بر دانیال آشکار می‌شود، هر دو نام او ذکر می‌گردد؛ و بدین‌سان مشخص می‌شود که او نماینده قوم عهد است، قومی که در ایام آخر به‌تازگی به جنبش فیلادلفیایی یکصد و چهل و چهار هزار منتقل شده‌اند. او با درخواست این‌که هیچ‌کس به سبب ناتوانی‌اش در فهم «راز» کشته نشود، خصلت خادم خدا را ظاهر می‌سازد. منش او در تقابل با آریوک قرار می‌گیرد؛ خادم نبوکدنصر که در پی آن است که برای یافتن دانیال نزد پادشاه اعتباری برای خود کسب کند. سپس دانیال تمایز میان تجلّی حقیقی نبوی و تجلّی حکیمان بابلی را آشکار می‌سازد، آن‌گاه که به پرسش نبوکدنصر با پرسشی پاسخ می‌دهد؛ و آنگاه، برخلاف آریوک، از فهم خود از «راز» برای پیشبرد خویشتن بهره نمی‌گیرد، بلکه خدای آسمان را متعال می‌سازد.

دانیال در حضور پادشاه پاسخ داده، گفت: «این سرّی را که پادشاه طلب کرده است، حکیمان، منجمان، جادوگران و فالگیران نمی‌توانند به پادشاه بنمایانند؛ لیکن خدایی در آسمان هست که اسرار را مکشوف می‌سازد، و اوست که بر نبوکدنصر پادشاه معلوم می‌گرداند که در ایام آخر چه واقع خواهد شد. خواب تو، و رؤیاهای سرّ تو بر بسترت، این است.» دانیال ۲۷:۲، ۲۸

دانیال عرضه خود را از «راز» با شناسایی آن به‌عنوان «رازی» آغاز می‌کند که آنچه را در ایام آخر واقع خواهد شد، توضیح می‌دهد. راز تاریخ نهفته هفت رعد، آنچه را در ایام آخر خواهد بود، معین می‌سازد. تمثال نبوکدنصر جزئی از راز ایام آخر است که اندکی پیش از بسته شدن دوره آزمایش گشوده می‌شود. این راز درست پیش از بسته شدن دوره آزمایش، در زمان گذار آشکار می‌گردد؛ آنگاه که هر دو شاخ وحش زمین به هشتمینی تبدیل می‌شوند که از آن هفت است، چنان‌که دانیال در سال نخست داریوش آن را به تصویر کشیده است.

و اما تو، ای پادشاه، اندیشه‌هایت بر بسترت به ذهنت راه یافت درباره آنچه در آینده واقع خواهد شد؛ و آن که رازها را آشکار می‌سازد، تو را از آنچه واقع خواهد شد آگاه می‌گرداند. اما در خصوص من، این راز نه به سبب حکمتی که در من بیش از هر زنده‌ای باشد بر من مکشوف شده است، بلکه برای خاطر آنان که تعبیر را به پادشاه خواهند شناسانید، و تا تو اندیشه‌های دل خود را بدانی. دانیال ۲۹:۲، ۳۰.

دانیال با شاهدی دوم این حقیقت را استوار می‌سازد که رؤیای نبوکدنصر درباره ایام آخر است، آنگاه که می‌گوید: «او که اسرار را مکشوف می‌سازد، آنچه را که واقع خواهد شد» در «ایام آینده» بر تو معلوم می‌گرداند. سپس دانیال تصریح می‌کند که این سرّ نه برای او داده شد، و نه از آن رو که او از هر انسان دیگری حکمتی برتر داشت، بلکه این «سرّ» به نبوکدنصر داده شد «برای خاطر ایشان که تعبیر آن را معلوم خواهند ساخت.» این «سرّ» برای کسانی داده شد که «تعبیر» رؤیا را به پادشاه روحانی بابل در ایام آخر عرضه خواهند کرد. این سرّ به‌طور خاص برای صد و چهل و چهار هزار داده شد، زیرا «سرّ» از آن کسانی است که در ایام آخر سقوط نهایی بابل را اعلام می‌کنند. آنگاه دانیال رؤیای تمثال را که در تاریکی نهان شده بود و آزمون مرگ یا حیات را پدید آورد، آشکار می‌سازد.

تو اے بادشاہ، تو نے دیکھا، اور دیکھ، ایک بڑی مورت تھی۔ یہ بڑی مورت، جس کی چمک نہایت شاندار تھی، تیرے سامنے کھڑی تھی؛ اور اس کی ہیئت دہشت ناک تھی۔ اس مورت کا سر خالص سونے کا تھا، اس کا سینہ اور اس کے بازو چاندی کے تھے، اس کا پیٹ اور اس کی رانیں پیتل کی تھیں، اس کی ٹانگیں لوہے کی تھیں، اور اس کے پاؤں کچھ لوہے کے اور کچھ مٹی کے تھے۔ تو دیکھتا ہی رہا یہاں تک کہ ایک پتھر بغیر ہاتھوں کے کاٹا گیا، جس نے اس مورت کو اس کے ان پاؤں پر، جو لوہے اور مٹی کے تھے، آ لگا، اور انہیں ٹکڑے ٹکڑے کر دیا۔ تب لوہا، مٹی، پیتل، چاندی اور سونا، سب کے سب اکٹھے ٹکڑے ٹکڑے ہو گئے، اور گرمیوں کے کھلیانوں کے بھوسے کی مانند ہو گئے؛ اور ہوا انہیں اڑا لے گئی، یہاں تک کہ ان کا کوئی نشان نہ ملا؛ اور وہ پتھر جس نے اس مورت کو آ مارا تھا ایک بڑا پہاڑ بن گیا، اور ساری زمین پر چھا گیا۔ یہ خواب ہے؛ اور ہم اس کی تعبیر بادشاہ کے حضور بیان کریں گے۔ دانی ایل 31:2-36۔

خواب نبوکدنصر پادشاہی ہای نبوت کتاب مقدس را از زمان او تا ایام آخر مشخص ساخت؛ آنگاہ کہ یکصد و چھل و چہار ہزار، کہ در حضور دانیال نزد نبوکدنصر و نیز بہ وسیلہ آن سنگی کہ بدون دست ہا بریدہ شد نمایانیدہ شدہ اند، پادشاہی ہای زمینی ممثل در آن تمثال را نابود می کنند، و آن تمثال سپس بہ کوهی بدل می شود کہ تمامی زمین را پر می سازد۔ این خواب دربارہ ایام آخر بود، در آن نقطہ انتقال نبوی کہ در آن آخرین سر نبوی بر یکصد و چھل و چہار ہزار مکشوف می گردد۔

چون بیرق شاخ حقیقی پروتستان اند، آنگاہ پیام فرشتہ سوم را بہ جہانی در حال مرگ حمل می کنند۔ آن پیام در ہنگام قانون یکشنبہ در ایالات متحدہ، آنگاہ کہ نشان وحش تحمیل می شود، بہ فریادی بلند اوج می گیرد۔ پیش از آن فرمان، کسانی کہ در ایام آخر بہ وسیلہ دانیال نمایانہ شدہ اند، باید با آزمون تصویر وحش روبہ رو شوند۔ آن آزمون، آزمونی دیداری است و اقتضا می کند کہ حرکت ہایی کہ فرمان قانون یکشنبہ را پدید می آورند، بہ وسیلہ کسانی کہ بہ وسیلہ دانیال نمایانہ شدہ اند دیدہ شوند۔ ایشان آزمودہ می شوند تا معلوم گردد آیا روش شناسی الہی را کہ بہ آنان امکان می دہد آزمون تصویر را کہ در تاریکی پنهان است ببینند، برگزیدہ اند یا نہ۔ آزمون ایشان متضمن فروتنی شخصی و اعتراف است۔ همچنین دربرگیرندہ اقرار بہ این حقیقت است کہ بہ دانیال در خواب ہا و رؤیا ہا فہم عطا شد؛ زیرا اگر از شنیدن صدای دانیال کہ در بیابان ندا می دہد سر باز زنند، مانند کسانی خواہند بود کہ در ایام مسیح، پیام یحیی تعمیددہ را رد کردند۔

ہرمانا وایت بہ ما آگاہی می دہد کہ کتاب ہای دانیال و مکاشفہ یکدیگر را کامل می کنند، و واژہ «کامل می کنند» کہ او بہ کار می برد، بہ معنای بہ کمال رساندن است۔ در پایان ژوئیہ ۲۰۲۳، شیر سبط یہودا گشودن مہرہای مکاشفہ عیسی مسیح را آغاز کرد، چنان کہ وعدہ دادہ بود اندکی پیش از بستہ شدن در آزمایش چنین کند۔ او در این کار، حقایق کتاب مقدسی را مشخص ساخت کہ پیش تر بہ درستی فہمیدہ شدہ بودند، اما اکنون باید در چارچوب ایام آخر فہمیدہ می شدند۔

یکی از آن حقایق، دو شاہد مکاشفہ یازدہ است۔ حقیقتی دیگر، تاریخی است کہ تحقق کامل «ہفت رعد» مکاشفہ دہ می باشد۔ او از خطوط مقدس اصلاح، حقایقی را بیرون آوردہ است کہ از نامیدی ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ سخن می گویند۔ او از چہار علم راہی کہ در ہر یک از خطوط مقدس اصلاح وجود دارد و تاریخ توانمندسازی پیام اول تا دآوری را بہ گونه ای ترسیم می کنند کہ تا کنون ہرگز شناختہ نشدہ بود، استفادہ کردہ است۔ باب دوم دانیال بسیاری از این مفاہیم را بہ کمال می رساند، ہرچند این حقایق عمیق برای کسانی کہ از خوردن روش شناسی معرفی شدہ بہ عنوان آلفا و امگا امتناع می ورزند، در تاریکی پنهان است۔

در پایان این مطالعہ از باب دوم دانیال، برخی از حقایق و نشانہ های راہ را کہ بہ واسطہ باب دوم دانیال بہ کمال رسانیدہ می شوند، خلاصہ کردہ و بہ یکدیگر پیوند خواہیم داد۔ بدین سان، مشخص می سازیم کہ رازی کہ در رؤیای شب بر دانیال مکشوف شد، نمایانگر ہمین حقایق است۔

خلاصہ و نتیجہ گیری را در مقاله بعدی بیان خواهیم کرد.

व्यवस्थाएँ नयुक्त अपनी लिए के मलिन मे अवस्थाओं की पतन और भूलों उनकी से मनुष्यों पास के प्रभु, से दशा नदिरामय उनकी उन्हें, दे गवाही स्पष्ट और सीधी वे कहें जाते भेजे हेतु इस सन्देशवाहक उसके हैं।

पुरुष ये दें। खोल लिए के समझ उनकी को, शास्त्रों पवतिर अर्थात्, वचनों बहुमूल्य के जीवन और, दे जगा संकट आसन्न जो, हों पहरदार विश्वासयोग्य, वाले करने वहन-ज्योति, सेवक वरन्, हों न ही उपदेशक केवल व्यक्तित्व अपने, कौशल वचनपूर्ण अपने, उत्सुकता गंभीर अपनी उन्हें दें। चेतावनी को लोगों और देखे को साथ के परमेश्वर उनका चाहिए। होना सदृश के मसीह—मे सेवकाई समस्त अपनी, मे संक्षेप—मे प्रयत्नों

व्यावहारिक और भवष्यद्वाणियों की वाचा नई तथा पुरानी उन्हें और, चाहिए होना सम्बन्ध जीवति बातें पुरानी और नई से भण्डारघर के वचन के परमेश्वर वे कहिए जाना हो परिचित इतना से शिक्षाओं

। 5, 251खंड, टेस्टमोनज़ि” सकें। कर प्रस्तुत नकालकर